



اعتراضات به نابرابری ، دخالتگری در روند تغییرات جهانی است

طی سالهای گذشته اعتراضات جهانی به گسترش فقر و بی حقوقی، ناشی ازاعمال سیاستهای ریاضتی دولتها، در کشورهای مختلف جهان جریان داشته است. بررسی مطالبات و نیروی اصلی سازمان دهنده این اعتراضات نشان میدهد، که اعتراض به شرایط معیشتی و شغلی بستر اصلی حضور اجتماعی طبقه کارگردرجهان بوده است.

با گذشت چند ماه از جنگ روسیه و اکرائین در سال ۲۰۲۲ و دخالت موثر کشورهای اروپایی و آمریکا در قالب پیمان ناتو ، در حمایت از اکرائین و بالا رفتن قیمت حامل های انرژی و قیمت کالاهای اساسی ، اعتراضات اجتماعی به افزایش هزینه های زندگی در بسیاری از کشورهاافزایش یافت .

هزینه های نظامی و قطع انرژی ارزان روسیه شرایط زندگی و معیشت مزدبگیرانرا تحت تاثیر قرارداد و دولت ها با توجه به این وضعیت سیاستهای اقتصادی سخت گیرانه تری را اعمال کردند. همه این عوامل باعث موج تازه ای از اعتراضات گسترده اجتماعی درکشورهای اروپائیشد.اعتصابات گسترده کارگری در انگلستان ، اعتراض به افزایش قیمت کالاها و مسکن در اسپانیا ، اعتراضات در بلژیک ، ایتالیا ، یونان ، و همچنین اعتراض به افزایش سن بازنشستگی در فرانسه و همزمان اعتراضات در بسیاری از کشورهای آسیایی از هند و بنگلادش تا ایران و ترکیه و پاکستان وکشور های مختلف در آمریکای جنوبی گسترش یافت . جنگ اکرائین و درگیری در دریای سیاه با آثار مخربی که بر زنجیره انتقال گاز و غلات در جهان داشت، علاوه بر افزایش قیمت انرژی در اروپا ، هزینه تا مین غلات برای بسیاری از کشورهای جهان را نیز به میزان زیادی افزایش داد.

هزینه های جنگ با روسیه به شکلی مضاعف برزندگی مزدبگیران اروپایی تاثیر منفی بر جای گذاشته است، چرا که علاوه بر تبعات منفی جهانی آن ، دولتهای اروپایی برای تامین مالی و لجستیکی این جنگ ویرانگر، هزینه های خدمات اجتماعی را به طور چشمگیری کاهش داده ، یا حذف کردند و بودجه های نظامی را افزایش داده اند.

با آغاز درگیرها در غزه و متعاقبا حمله ارتش اسراییل و ارتکاب جنایت گسترده و نسل کشی در غزه و همزمان سکوت و همراهی حکومت های اروپایی و ایالات متحده با این جنایات ، تشکلهای کارگری علاوه بر سازماندهی اعتراضات اجتماعی به شرایط کار و معیشت به سازماندهی مستمر و گسترده اعتراضبه نسل کشی در غزه پرداختند. در اقداماتی گسترده تشکلهای کارگران بنادر و فعالان ضد جنگ مانع از بارگیری و انتقال محموله های نظامی به مقصد و یا مبدا اسراییل شدند و بسیاری از تشکلهای نیروی کار، به سازماندهی اعتراضات مستمر به جنایات حکومت اسراییل پرداختند.

میتوان گفت اعتراضات سازمان یافته به نسل کشی در غزه ،زمینه ای شد تا تشکلهای کارگری در اروپا به میزان بسیار زیادی از محدوده اعتراضات شغلی و معیشتی دهه گذشته فراتررفته، از احزاب حکومتی فاصله گرفته و نقش موثرتری در حوزه های اجتماعی و مسایل جهانی برعهده بگیرند.

رشد نیروهای راست سیاسی و اقتصادی در طبقه حاکم جهانی و بسیاری از احزاب سیاسی در قدرت طی این سالها ، باعث گردیده است تا نیروهای اجتماعی هرچه گسترده تری به فراخوان های اعتراضی اتحادیه های کارگری پاسخ دهند و علیرغم رشد راستگرایی در احزاب و پارلمان های حکومتی، نیروهای اجتماعی بیشتری به احزاب چپ و تشکلهای کارگری پیوسته اند.

با حمله اسراییل و آمریکا به ایران در اسفند ۱۴۰۴ شرایط عمومی جهان بار دیگر دستخوش تغییراتی جدی به زیان نیروی کار شد. اینبار برخلاف درگیری نظامی سال قبل ، محدوده درگیری ها توسط ایران به سرعت گسترش داده شد و جنگ بر علیه ایران به تمام منطقه خلیج فارس و خاورمیانه گسترش یافت. به دلیل اهمیت این منطقه در زنجیره

جهانی تامین انرژی، محصولات پتروشیمی ، گاز و نقش موثر کشورهای جنوبی خلیج فارس در بازارهای مالی و سرمایه گذاری بین المللی ، سبب شد تاثیرات این جنگ در زندگی مردم جهان به سرعت خود را به نمایش گذارد.

علیرغم تمهیدات کوتاه مدت ایالات متحده در کنترل قیمت نفت و صدور نفت ایران به چین و کشورهای آسیای جنوب شرقی تا ماههای گذشته، اما نتیجه قابل پیش بینیحمله آمریکا به ایران ،افزایش ناگهانی قیمت انرژی ، محصولات صنعتی و کشاورزی بوده است. این جنگ علاوه بر هزینه های انسانی بسیاری که بر مردم ایران و منطقه تحمیل کرده است ، باعث بیکاری گسترده نیروی کار و فشارهای معیشتی و اجتماعی در این منطقه از جهان گردیده است. با گسترش حملات نظامی آمریکا به کارخانجات و کارگاههای تولیدی و صنعتی و مراکز درمانی و آموزشی ، علاوه بر جان باختن هزاران نفر ، با تعطیلی این مراکز ، بخش های گسترده شاغلین به لشکر بیکاران پیوستند. علیرغم فشارهای اقتصادی کمر شکن و گسترش فقر و کاهش چشمگیرقدرت خرید مزد بگیران در ایران ، اعتراضات اجتماعی به این شرایط به دلیل سرکوب عریان در سایه شرایط جنگی توسط حاکمیت ، بسیار کاهش یافته است.

اما دامنه تاثیرات جنگ کنونی در خلیج فارس بسیار فراتراز محدوده زمانی کنونی و تاثیرات اقتصادی آنی آن بر زندگی روزمره مردم جهان خواهد بود. عدم فروپاشی حکومت ایران در نتیجه حمله نظامی و ترور رهبران نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده و اسرائیل از یک سو و حملات نظامی متقابل حکومت ایران و گسترش درگیری های نظامی در منطقه و بستن تنگه هرمز که نقش تعیین کننده ای در انتقال انرژی در جهان دارد، از سوی دیگر، باعث گردیده تا با گذشت بیش از ۷ ماه از آغاز حمله مجدد به ایران، جهان شاهد وضعیت نه جنگ و نه صلح در منطقه باشد . این در حالی است که حکومت ایران از تنگه هرمز و مسیرهای انتقال انرژی در منطقه از جمله تنگه باب المندب به عنوان اهرم فشار بر غرب سود میبرد.

فارغ از اشکال محتمل پایان یافتن جنگ کنونی، آنچه که همه تحلیل گران اقتصادی وسیاسی جدی به آن اشاره میکنند ، تاثیرات بلند مدت و جهانی افول هژمونی امنیتی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه است ، که این جنگ را از سایر جنگهای آمریکا ئی پس از جنگ دوم جهانی در جهان متمایز میکند.

در تحلیل چرائی و نتایج چنین جنگی تحلیل های عامیانه و ساده لوحانه ایکه آن را محصول غرب ستیزی و یا اسرائیل ستیزی حکومت اسلامی و یا تبدیل حکومت ایران به یک قدرت درجه اول نظامی و هسته ای و یا ادعاهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی میدانند را ، نمیتوان جدی گرفت.

زمینه های واقعی این روند را باید در مجموعه ای از تغییرات قدرت در جهان سرمایه داری پس از فروپاشی بلوک شرق پی گرفت. شتاب جهانی سازی و از میان بردن آخرین دستاوردهای دفاعی طبقه کارگردر مقابل سرمایه و ورود به جهان تک قطبی تحت قیمومیت ایالات متحده آمریکا، لگام گسیختگی سرمایه و سرمایه داران در غرب و شرق و انباشت سرمایه و قدرت در دست کارتل های صنعتی – مالی و نظامی به شکلی بی سابقه درتاریخ ، باعث گردید تا در مقیاس های ملی نیز سرمایه در اشکال متفاوتی ظاهر شود. رشد سرمایه چینی در سایه فروپاشی بلوک شرق و به یمن وجود میلیونها کارگر ارزان و مدیریت خشن و پدرسالارانه حزب کمونیست این کشور، باعث عروج سرمایه چینی به عنوان رقیب سرمایه آمریکائی در جهان شده است. روسیه نیز طی دو دهه گذشته موقعیت تضعیف شده خود را با تکیه بر اقتصاد متمرکز دولتی ، منابع عظیم انرژی و زرادخانه نظامی و هسته ای خود بازسازی نموده است. افول قدرت صنعتی و نظامی اتحادیه اروپا و بریتانیا طی سالهای گذشته و تکیه بیش از حد به پشتیانی آمریکا درمسائل جهانی ، حکومت های این قاره را نیز به نیرویی دست دوم در معادلات جهانی تبدیل کرده است.

مجموعه این تحولات طی چند دهه گذشته ، تغییردر معادلات جهانی قدرت را ضروری ساخته است.

جنگ کنونی آمریکا و ایران در منطقه خاورمیانه یکی از حلقه های اصلی این تغییرات هژمونیک و بازآرائی مجدد نهادهای جهانی از هم پاشیده و ناتوان از نظارت بر مناسبات میان قدرت های سرمایه جهانی است.

مسلما در دوره های تغییر و تحولات جدی در جهان ، طبقات اجتماعی متاثر از این تغییرات نیز واکنش هائی به این روندها نشان میدهند که تاثیرات بلند مدتی بر سطح رفاه و امکانات اجتماعی آنان دارد. حضور متشکل و منسجم طبقه کارگر در تحولات پس از دو جنگ جهانی اروپائی به خوبی نشان داد که دخالت متشکل کارگران در جا به جائی های قدرت میتواند تا سالها تاثیر مثبتی بر میزان رفاه و آزادی های اجتماعی در این کشورها داشته باشد.

امروز نیز ما به عنوان فعالان کارگری و بخشی از طبقه کارگر جهانی ، جدای از هر تبیینی که از سرمایه های محلی و ماهیت ضد بشری حکومت هائی نظیر آمریکا ، ایران، اسرائیل و .... داریم باید واقعیت های میدانی را بپذیریم ،به توجیه امور مبادرت نکنیم و بر زمینه شرایط جهانی موجود امکانات سازماندهی و مبارزه متشکل طبقه کارگر را برعلیه اشکال متفاوت ملی و جهانی سرمایه داری فراهم کنیم . مسلما مبارزه برای سرنگونی سیادت سرمایه از مسیر همراهی با هیچ بخشی از جناح های جهانی و ملی سرمایه داری عبور نخواهد کرد.

اعتراضات سازمان یافته کنونی در بخش های گسترده ای از جهان بر علیه جنگ کنونی و عواقب ضد بشری آن که عموما توسط تشکلهای نیروی کار و در راس آن اتحادیه های کارگری سازماندهی میشود بخشی از واقعیت میدانی موجود است. امروز در بسیاری از کشورهای اروپائی ، آسیائی و آمریکائی ، اعتراضات گسترده ای به شرایط موجود و اثرات جنگ های بی پایان چند دهه گذشته در جریان است که از برجسته ترین آنها اعتراضات دانش آموزان ، معلمان و کارگران فرانسوی است. رسانه های رسمی و راستگرایان حاکم بر این کشورها تلاش دارند تا با ارائه تصاویر آشوب گرایانه از این اعتراضات منسجم ، افکار عمومی جهان را ازمطالبات و سازماندهندگان آن منحرف کنند.
امروز بر هر فعال کارگری سوسیالیست باید روشن شده باشد که تنها راه دخالت طبقاتی در تغییرات میان قدرتهای جهان سرمایه داری و سنگین کردن کفه منافع نیروی کار جهانی ، دخالت متشکل و سازماندهی شده در این دگرگونی ها به عنوان یک طبقه است. امروز حمایت و همراهی بینالمللی با اعتراضات سراسری تشکلهای کارگری جهان در دفاع از کرامت انسانی ، معیشت ، رفاه و مبارزه با جنگ و کشتار دولت های سرمایه داری سراپا فاسد و ضد بشر ، بستر اصلی مبارزه طبقاتی کارگران بر علیه سرمایه داری است. این وظیفه کارگران سوسیالیست است تا با تعمیق این اعتراضات و مطالبات آن و سازماندهی کارگران درمقیاس ملی و جهانی حول مطالبات عمومی مزد بگیران ، تلاش کنند تا بر زمینه بن بست و رقابت قدرت های اصلی سرمایه داری ، زمینه حضورمیدانینیروی کار در مقیاسی گسترده تر را فراهم کنند تا از سازماندهی مجددنظمی ضد انسانی تر توسط امپریالیست های حاکم بر جهان که نتیجه ای جز ویرانی هر چه بیشتر جهان طبیعی و انسانی نخواهد داشت ، جلوگیری کنند.

آبان ۱۴۰۵ – اکتبر ۲۰۲۶

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

کارزار پشتیبانی از کارگران ایران